

زینب گل محمدی

نویسنده و خبرنگار

در گوشه و کنار کشورمان بسیاری از فعالان حوزه کتاب با گمنامی مشغول کار هستند و تلاش می‌کنند به قدر توانایی، دیگران را در مسیر کتابخوانی کمک و همراهی کنند. فاطمه یداللهی یکی از مادرانی است که برای همه کودکان ایران زمین این زحمت را متحمل شده و به صورت افتخاری، کتاب‌های کودک و نوجوان را معرفی و پیشنهاد می‌کند. آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگویی کوتاه با اوست.

از فعالیت کانال و مجموعه‌ای که دارید، بفرمایید: معرفی خودتان، زمان شروع کار، زمینه فعالیت و این‌که چگونه به جمع‌بندی تشکیل کانال رسیدید؟

فاطمه یداللهی هستم. از استان چهارمحال و بختیاری؛ یک مادر دهه شصتی با سه فرزند. کارم را از طریق ایجاد کانال ایتا و فعالیت مجازی از تابستان ۱۴۰۲ شروع کردم و در زمینه مشاوره و فروش کتاب کودک و نوجوان فعالیت می‌کنم. از زمانی که بچه‌هایم کوچک بودند، بعضی اوقات برای شان کتاب می‌خریدم و با هم مطالعه می‌کردیم. در کنار مطالعه، متوجه شدم که خیلی از نکاتی که برای ما مهم است که به بچه‌ها گوشزد کنیم در قالب کتاب و داستان‌های کودکانه برای بچه‌ها گنجانده شده و به طور غیرمستقیم تأثیرات عمیقی در تربیت و رشد شخصیت آنها دارد.

من معتقدم نویسنده کتاب خوب چون از دریچه و زاویه نگاه بچه‌ها به مسائل و چالش‌های آنها توجه می‌کند، تأثیر ماندگارتر و عمیق‌تری می‌گذارد و مثل یک راهنما و نسخه عملی برای خانواده‌ها می‌ماند.

هدف‌تان از گروه و کانالی که ایجاد کردید، چه بود؟

پای صحبت مادری که برای همه بچه‌ها دغدغه کتابخوانی دارد

بچه‌ها را کتاب‌زده نکنیم!

بچه‌ها را از نعمت کتاب بهره‌مند کنیم.

به نظر من بیشتر خانواده‌ها تهیه کتاب برای بچه‌ها را دوست دارند ولی شاید نبود یک راهنمایی درست، توجه نکردن به سن و علاقه بچه‌ها و گران بودن کتاب، پاره کردن کتاب و.... باعث می‌شود کتابی را انتخاب کنند که برعکس بچه‌ها را کتاب‌زده کند و این تجربه باعث می‌شود دیگر بچه‌ها سمت کتاب نروند. ان شاء الله بتوانیم برای این چالش‌ها راه‌هایی پیدا کنیم تا کتاب را در سبد خانوارها جا بدهیم؛ ولو حتی با یک مبلغ کم در هر ماه

از حرف آخر...

یک نکته در مورد کتاب‌هایی با تخفیف بالا هست که معمولاً روی این کتاب‌ها برای بالا بردن فروش، قیمت غیرواقعی می‌خورد ولی آن کسی که اهل مطالعه باشد، می‌داند که کتاب خوب، تخفیف زیاد ندارد یا این‌که متأسفانه بعضی کتاب‌ها کپی نسخه اصلی است که اصلاً کیفیت هم ندارد و امیدوارم که نظارت بهتری روی بازار کتاب و قیمت‌ها بشود تا این وسط کسی که واقعا کار می‌کند، متضرر نشود.

با وجود رقبای زیاد و سود کم ولی من با عشق کارم را انجام می‌دهم و امیدوارم انتشارات مختلف هم بیشتر حمایت کنند و مقداری تخفیف بیشتر بدهند، شاید ما سرمایه کمی داشته باشیم ولی امثال من در حال تلاش در جهت تشویق فرهنگ کتابخوانی هستیم.



همه نکاتی که گفتم و تجربه‌های مادرانه خودم باعث شد به فکر این کار بیفتم. چون سرمایه آنچنانی نداشتم، باعث شد به فکر تأسیس کانال بیفتم و در حال حاضر با عشق و علاقه و تک‌نفری با کمک و همراهی خانواده‌ام به مسیرم ادامه می‌دهم به امید این‌که جایگاه کتاب و کتابخوانی بیش از پیش در کانون توجه خانواده‌ها قرار بگیرد.

در آینده برنامه جدیدی برای این نوع فعالیت در حوزه کتاب دارید؟

امید دارم که با همدلی و مشارکت خانواده‌ها و با ایجاد طرحی مثل طرح نذر کتاب، کتاب‌هایی که در هر خانواده‌ای نو ولی بلا استفاده هست را جمع‌آوری کنیم و بتوانیم حتی در دور افتاده‌ترین مناطق محروم هم



امید دارم

که با همدلی

و مشارکت

خانواده‌ها

بتوانم با ایجاد

طرحی مثل

طرح نذر کتاب،

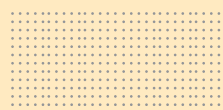
کتاب‌هایی که در

هر خانواده‌ای نو

ولی بلا استفاده

هست را

جمع‌آوری کنیم



چند خط برای داستان «مرا با خودت ببر»

قلمی وقف روایت عاشقانه و تاریخی

شمسی جلفا

نویسنده

رمان پر از حادثه «مرا با خودت ببر». یک رمان دینی و توسط آقای مظفر سالاری در ۲۴۵ صفحه به رشته تحریر درآمده است. مجموع شمارگان چاپ شده تاکنون ۳۸۲۰۰ نسخه است. من افتخار خواندن سی و هشتمین چاپ این کتاب را داشتم؛ ارمغانی ارزنده از دوست و همکار محبوبی که همیشه به فکر اعتلای قلم من بوده است.

مرا با خودت ببر ما را مستقیم و دربست به وسط بازار شلوغ بغداد می‌برد. ابراهیم و ابن خالد دو شخصیت اصلی رمان هستند. روایتی از زندگی ابراهیم پارچه‌فروش که در جوانی عاشق دختری به نام آمال است. هرآنچه که در سال ۶۰۰ هجری و در دمشق اتفاق می‌افتد، می‌شود یک کتاب که خوانندگان آن را جزو برجسته‌ترین رمان‌های تاریخی می‌دانند.

یکی از نکاتی که باعث ارزنده شدن هر اثری در عالم

ادبیات و خاصه در دنیای رمان می‌شود، مشخص بودن زمان و مکان اثری است که مکتوب شده است. بحمدالله، این کتاب نیز بی‌بهره از این اهمیت نبوده است.

اما از دیگر نکات بسیار قوی این کتاب که باید به آن اشاره کرد، قلم قوی و بسیار جذاب جناب سالاری است که نمی‌توان از این نکته به راحتی گذشت. توصیفات مستقیم و غیرمستقیم این کتاب لحظه‌ای خواننده را به حال خود نمی‌گذارد. توصیفات به‌گونه‌ای قدرتمند نگاشته شده که خواننده حضور خود را در کنار شخصیت‌های داستان می‌بیند.

قلم سالاری همیشه در ژانر تاریخی و مذهبی چرخیده است. او همیشه دوست دارد که از دین بنویسد و از مستندات تاریخی بهره بگیرد. او در این اثر قلمش را وقف روایت عاشقانه و تاریخی کرده و هدفش نشان دادن کرامات امام جواد (ع) است. نوشتن از تاریخ با وجود حساسیت‌های ریزودرشت، کار بسیار سختی است. چراکه اگر خلاف مستندات چیزی به رشته تحریر دربیاید، باید جوابگو بود و نباید غیر از مستندات تاریخی



قلم دل‌فریب

سالاری، چنان این

کتاب را از مقاله و

خطابه دور کرده

و سیر داستانی

به کتاب داده که

برای خواننده

بسیار دلکش و

شیرین است

چیزی نوشت.

دین‌نویسی در خون سالاری است و انگار برای او بی که خود طلبه است، کار چندان سختی نیست. چراکه او اشراف کاملی بر آیات و احادیث دارد. این تسلط همان محتوای ارزشمندی است که در نوشتن کتاب به کمکش شتافته است.

شاید این‌گونه به نظر برسد که این رمان بیشتر متناسب با ذائقه مخاطبی باشد که اندیشه‌های مذهبی عمیق‌تری دارد اما باید اعتراف کرد که این اثر، به راحتی می‌تواند هر مخاطبی را جذب دنیای خود بکند. کتابی سرشار از امید، معجزه، گشایش که محبت و معرفت امام جواد (ع) را در دل مان چند برابر می‌کند.

قلم دل‌فریب سالاری، چنان این کتاب را از مقاله و خطابه دور کرده و سیر داستانی به کتاب داده که برای خواننده بسیار دلکش و شیرین است. این ویژگی منحصر به فرد اوست که باعث می‌شود نتوان میل به کتاب خواندن را در خود سرکوب کرد. با این‌که به هنگام خواندن صفحاتی از این کتاب اشک می‌ریزیم اما از شیعیه بودن خود لذت خواهیم برد.

چراکه در بخش‌های پایانی کتاب، سالاری ما را با شخصیتی آشنا می‌کند به نام ابن سکیت که یکی از ادیبان شیعه و از یاران نزدیک امام جواد (ع) است. سالاری با تبحری که در نوشتن دارد به خوبی هرچه تمام‌تر توانسته با روایت بخشی از زندگی ابن سکیت، علاوه بر ادامه مسیر داستان، خواننده را با این شخصیت بزرگ آشنا کند.

